

درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه

عبدالعلی توجهی* - حسین محمد کوره‌پز**

(تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۸)

چکیده

در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شاهد تغییرات و نوآوری‌های اساسی نسبت به قانون پیشین هستیم. هدف قانونگذار آن است که در مباحث مختلف حقوق کیفری به‌ویژه قواعد حاکم بر مجازات‌ها با اتخاذ رویکردی اصلاح‌گرایانه ضمن رعایت مصالح بزهکار، از جامعه در برابر پدیده مجرمانه دفاع کند. نهاد تعویق صدور حکم، تأسیسی نوین است که در این چارچوب از سیستم حقوقی فرانسه اقتباس شده است و تا پیش از این، هیچ سابقه‌ای در متون قانونی ایران نداشته است. نهاد مذکور که تنها در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک (به‌ویژه اطفال) مورد استفاده قرار می‌گیرد، با هدف جلوگیری از «مجرم» خطاب کردن این دسته از بزهکاران و مساعدت در جهت اصلاح و بازپروری آنان، تنظیم شده است.

کلیدواژگان: تعویق صدور حکم، اصلاح و بازپروری، برچسب مجرمانه، مجرمین غیر خطرناک

Email:atavajohi@yahoo.com

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شاهد

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) (نویسنده مسئول)

kourepaz@ut.ac.ir

مقدمه

نظر به تحولاتی که در دهه‌های اخیر در آموزه‌های حقوقی کیفری به وجود آمده است، نظریات جدیدی در باب جرایم و مجازات‌ها ابراز شده است. این آموزه‌ها دیگر اجرای مجازات‌های سخت و سنگین را موجب کاهش پدیده مجرمانه نمی‌دانند بلکه در کنار واکنش‌های کیفری، جرم‌زدایی و قضازدایی از بعضی انحرافات اجتماعی را نیز توصیه می‌کنند. در عصر حاضر، نگرش‌ها از حتمیت و مطلق‌انگاری در اجرای مجازات‌ها، به واقع‌نگری تغییر یافته است زیرا بررسی واقعیات جوامع مبین آن است که تنبیه و ارباب صرف، در کاهش پدیده مجرمانه، الگویی ناقص و شکست خورده است. از این رو، هدف اولیه از اجرای کیفر، به جای تنبیه و عقوبت، اصلاح و بازپروری است. مجازات به‌عنوان آخرین حربه علیه بزهکاری به کار گرفته می‌شود لذا تا هنگامی که فرد بزهکار از طرق دیگر به هدف اولیه اعمال کیفر نائل می‌آید، ضرورتی به استفاده از کیفر دیده نمی‌شود (Jareborg, 2004: 524). در این راستا اغلب دولت‌ها در برابر جرایم کم‌اهمیت که از انجام آن لطمات شدیدی به جامعه وارد نیامده و نیز زمانی که اعمال کیفر ضرورتی نداشته باشد و اعطای فرصت دیگر، موجبات اصلاح بزهکار را فراهم می‌آورد، سیاست جنایی سرکوبگر را از برنامه‌های خود خارج و خواستار نوعی نرمش در اعمال کیفر هستند.

تعویق صدور حکم، نهادی است که در راستای سیاست جنایی مبتنی بر نرمش و حمایت بیشتر از مجرمان غیر خطرناک تأسیس شده است. نهاد مزبور، ابزاری ارفاقی است که دادگاه با استفاده مناسب از آن، می‌تواند موجبات اصلاح بزهکار را فراهم آورد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه شرایطی لازم است تا نهاد تعویق صدور حکم در حق مجرم اعمال شود؟ همچنین پشتوانه‌های نظری نهاد مزبور، مبتنی بر چه انگاره‌هایی است؟ از آنجایی که نهاد تعویق تا به حال موضوع پژوهش مستقلی نبوده است، در این نوشتار، جنبه‌های حقوقی و جرم‌شناختی آن هر چند به نحو خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب برای شناخت هر چه بهتر این نهاد وارداتی، نخست باید به بررسی مفهوم و پیشینه آن پرداخته شود. به‌ویژه اینکه برخی مفاهیم مشابه ممکن است با یکدیگر خلط شوند. در گفتار دوم، اهداف نهاد تعویق تبیین می‌شود و سرانجام در گفتار سوم، شرایط اعطاء، انواع تعویق صدور حکم و آثار قانونی آن در نظام‌های حقوقی ایران، آلمان و فرانسه ملاحظه خواهد شد.



۱. بررسی مفهوم و پیشینه نهاد تعویق صدور حکم

نهاد تعویق صدور حکم، تأسیسی است که پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، می‌توان آن را جدیدترین ابزاری دانست که در راستای سیاست تفرید مجازات‌ها پدید آمده است که پیش از این، هیچ سابقه‌ای در متون قانونی ایران نداشته است. حال برای آشنایی هرچه بیشتر با این نهاد، در این گفتار ابتدا مفهوم و سپس پیشینه آن بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم تعویق

نظر به ضرورت آشنایی با مفهوم لغوی و اصطلاحی نهاد مذکور، در این بند ابتدا به بررسی مفهوم و سپس تمیز آن از مفاهیم مشابه پرداخته می‌شود.

الف. مفهوم لغوی و اصطلاحی

«تعویق»^۱ در لغت به معنی بازداشتن، پس‌افکندن و عقب‌انداختن است (معین، ۴۰۵، ۱۳۶۲). پس نوعی معلق‌نمودن و عقب‌انداختن انجام کاری تا آینده از معنای لغوی آن مستفاد می‌شود. اگرچه در قانون مجازات اسلامی تعریفی از این نهاد ارائه نشده است باید گفت «تعویق صدور حکم در اصطلاح به معنای اختیار دادگاه صالح در به تأخیرانداختن صدور حکم بعد از مجرم‌شناختن بزه‌کار است» (Grant, 1988:276). در واقع قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که فرد مرتکب جرم شده و خصوصیات فردی، اجتماعی و خانوادگی وی، صدور حکم را به تعویق می‌اندازد تا با این تصمیم موجبات اصلاح و بازاجتماعی شدن مجرم را فراهم کند. به این ترتیب می‌توان تعویق صدور حکم را به این شکل تعریف نمود: «عدم صدور حکم محکومیت پس از مجرم‌شناختن فرد مرتکب با توجه به خصوصیت جرم ارتكابی و ویژگی‌های فردی وی».

ب. بررسی مفاهیم مشابه

پس از آشنایی با مفهوم لغوی و اصطلاحی تعویق صدور حکم، برای جلوگیری از خلط اصطلاحات مشابه با این مفهوم، واژگان مرتبط به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Deferment

۱) تعویق تعقیب^۱

دادسرا در اجرای اصل قانونی بودن تعقیب، مکلف به تعقیب تمامی جرایمی است که به نحوی از وقوع آن‌ها آگاه می‌شود (آشوری، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۰۷). امروزه از دیدگاه سیاست جنایی، تعقیب همه مجرمین، به ویژه در جرایم کم‌اهمیت که تراکم پرونده‌های کیفری را در بردارد، ممکن است از نظر دادستان سودمند نباشد. چنین است که اصل یا قاعده دیگری با عنوان «اقتضای تعقیب»، جایگاه خاصی را در میان ابزارهای سیاست جنایی به خود اختصاص داده است. البته تصمیم دادسرا در تعقیب نکردن به این معنا نیست که وی قصد دارد شخص یا اشخاصی را که در ارتکاب جرم به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، تعقیب نکند بلکه دادستان مجاز است تا پیش از سپری شدن مدتی که قانونگذار برای مرور زمان تعقیب در نظر گرفته است، نظر به تعویق (تعلیق) تعقیب داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۲، ۲۳۰). لازم به توضیح نیست که تصمیم بر تعویق تعقیب در مرحله پیش از محاکمه و در اختیار مقامات دادسرا است در حالی که تعویق صدور حکم مجازات، در مرحله دادرسی و در اختیار قاضی صادرکننده حکم است.

۲) تعویق اجرای مجازات^۲

تعویق اجرای مجازات به معنای اختیار دادگاه در به تأخیر انداختن اجرای مجازات بعد از صدور حکم محکومیت (Hungerford-Welch, 2000: 636) است. گاه موجبات قانونی سبب تأخیر در اجرای مجازات می‌شود نظیر نهاد تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و گاه موجبات شخصی مانند بیماری یا بارداری (موضوع مواد ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۹۲-۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) که پس از رفع مانع، مجازات اعمال می‌شود. در اینجا تفاوت دو مفهوم آشکار است، در تعویق اجرای مجازات، دادگاه حکم به مجازات داده ولی به صورت موقت، دستور به عدم اجرای آن می‌دهد، در حالی که در تعویق صدور حکم، دادگاه اصلاً حکمی صادر نمی‌کند تا بخواهد دستور به عدم اجرای آن بدهد.

۱-۲. پیشینه نهاد تعویق

همان طور که گفته شد، نهاد تعویق صدور حکم تا پیش از این، هیچ سابقه‌ای در متون قانونی ایران ندارد و تأسیسی است که در یک برهه زمانی خاص، به صورت وارداتی از دیگر

1. Deferred Prosecution
2. Suspension of Sentence

نظام‌های حقوقی اقتباس شده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که نهاد مذکور در برخی لوایح که مربوط به دادرسی اطفال و نوجوان است، ظهور پیدا کرده است ولی تاکنون هیچ‌یک از آن‌ها نمود قانونی پیدا نکرده‌اند.^۱

از این نوع لوایح و مقررات قانونی دیگر کشورها می‌توان دریافت که تعویق صدور حکم، یکی از ترتیبات خاص رسیدگی به جرایم اطفال محسوب می‌شود زیرا نهاد مذکور، مصلحت طفل را بر رعایت تشریفات قانونی مبنی بر «لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده» ترجیح داده است. لذا این نوع ترتیب رسیدگی بیشتر در دادرسی اطفال و نوجوان به کار می‌رود و در رسیدگی به جرایم بزرگسالان از جایگاهی برخوردار نیست (جمشیدی، ۱۰۰، ۱۳۸۲). به‌عنوان مثال در دادرسی‌های مربوط به اطفال و نوجوانان پسر تا سن سیزده سال که در رسیدگی دادگاه‌های انگلستان، مجرم شناخته شدند، شایع‌ترین حکم در مورد آن‌ها تعویق صدور حکم مجازات بود به طوری که در سال ۱۹۹۴، دادگاه‌ها در مورد ۵۲ درصد از مجرمین، رأی به تعویق صدور حکم مجازات دادند (دوگلاس، ۲۰۳، ۱۳۸۳).

اما امروزه نهاد تعویق در اکثر کشورهای دنیا (نظیر فرانسه و آلمان) به صورت مطلق پیش‌بینی شده است و در ارتباط با بزرگسالان نیز اعمال می‌شود زیرا اگر فلسفه نهاد مذکور را جلوگیری از مجازات مجرمین غیرخطرناک بدانیم، می‌توان این نهاد را درباره هر دو دسته از مجرمین اعمال نمود. فلذا به همین خاطر است که قانونگذاران فرانسوی (در ماده ۶۰-۱۳۲) و آلمانی (در ماده ۵۹) رده سنی خاصی را متذکر نشده‌اند و فرد بزهکار به صرف داشتن شرایط مرقوم در قوانین مذکور، از این ارفاق قانونی برخوردار می‌شود.

قانون مجازات اسلامی نیز با تأسی از قانونگذار فرانسوی، هیچ تفکیکی میان کودکان با مسئولیت کیفری و بزرگسالان قائل نشده است جز در ماده ۹۴ ق.م.ا که از اطفال و نوجوانان حمایت بیشتری به عمل آورده است.

۱. برای نمونه در این زمینه می‌توان به لایحه قانونی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان اشاره کرد. ماده ۲۵ این لایحه قانونی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی و احراز مجرمیت، صدور رأی را با توجه به وضع طفل یا نوجوان با تعیین دستورهای مقرر در مواد ۳۲ و ۳۳ حداکثر تا ۲ سال به تعویق بیندازد. هرگاه طفل یا نوجوان در این مدت دستور دادگاه را اجرا کرده باشد، دادگاه پس از دریافت گزارش مددکار اجتماعی مبنی بر حسن رفتار طفل یا نوجوان می‌تواند قرار موقوفی تعقیب صادر یا طفل یا نوجوان را از مجازات معاف کند و یا با رعایت تخفیف، حکم مقتضی صادر کند». همچنین ماده ۴۵ لایحه حمایت از حقوق کودکان از به تعویق انداختن صدور حکم درباره والدین کودک در جرایم خاص ارتكابی علیه آن‌ها خبر می‌دهد.

۲. اهداف نهاد تعویق صدور حکم

۱-۲. تعویق؛ نهادی در راستای اصل تفرید مجازات‌ها

با ظهور مکتب دفاع اجتماعی نوین، بار دیگر توجهات خاصی نسبت به فرد بزهکار پدید آمد. بحث لزوم تشکیل پرونده شخصیت مجرم سبب شد تا فردی کردن کیفر بیش از آنچه در مکتب تحقیقی مطرح شده بود، نضج گیرد. «اصل فردی کردن کیفر»^۱ به دنبال تطبیق هر چه بیشتر مجازات با شخصیت مجرم است تا بتوان در پرتو آن، به «اصلاح»^۲ مجرم و در نتیجه، کاهش پدیده مجرمانه نائل آئیم (آنسل، ۱۳۷۵، ۲۶).

نهاد تعویق صدور حکم، یکی از شیوه‌های پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که در جهت سیاست تفرید مجازات‌ها در مرحله دادرسی گام برمی‌دارد. به این ترتیب دادگاه با ملاحظه وضعیت فردی و اجتماعی و همچنین اوضاع و احوالی که شخص مرتکب جرم شده است، این اختیار را دارد که با اعمال این نهاد، در تعیین کیفر برای مجرم شتاب نکند.

همچنین استفاده از چنین نهادی، افزون بر کاهش هزینه‌های اقتصادی، مانع تحمیل هزینه‌های سیاسی بر دولت‌ها نیز می‌شود چرا که در روابط بین دولت‌ها، حقوق بشر معیار و چوب خطی برای قضاوت درباره کارنامه آن‌هاست. بنابراین هر چه حقوق کیفری و آیین دادرسی یک کشور، خشن و تند باشد، آن دولت در کارنامه خود کاهش امتیاز خواهد داشت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ۱۱۱).

۲-۲. تعویق؛ نهادی در پرتو قراردادی شدن حقوق کیفری

«قراردادی شدن حقوق کیفری»^۳ راهبرد نوین سیاست جنایی است که به موجب آن مقام قضایی و بزهکار در خصوص تعیین سرنوشت دعوای کیفری با یکدیگر توافق می‌کنند. راهبرد مذکور از گذر گسستن انحصار رویکرد کیفرگرا، سامانه پاسخ‌ها را در عرصه سیاست جنایی به سمت اصلاح‌گرایی متنوع ساخته است (نیازپور، ۱۳۹۰، ب، ۶۳). به این ترتیب قضات می‌توانند در مرحله‌های پیش‌دادرسی، دادرسی و پس‌دادرسی با توجه به معیارهای متعدد از جمله وضعیت فردی و محیطی بزهکاران، پاسخ‌های متنوعی را برگزینند. این تنوع در پاسخ‌ها موجب می‌شود

1. Individualization of Punishment
2. Reformation
3. Contractualization of Criminal law

تا قضات بتوانند تصمیمی واقعی تر و مناسب تر برای رعایت بیشتر مصالح بزهکاران و منافع جامعه اتخاذ کنند (همان، ۱۳۹۰ الف، ۲۴).

نهاد تعویق صدور حکم با عدول از اصل لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده، این اختیار را به قضات می دهد تا در مرحله دادرسی با اتخاذ رویکردی مصلحت سنجانه در ارتباط با مجرمین غیر خطرناک، این نهاد را درباره آنها اعمال کند زیرا هدف از این شیوه رسیدگی که بیشتر جنبه افقی به خود می گیرد تا جنبه عمودی و تحمیلی، ترمیم آثار جرم و رعایت مصلحت بزهکار است، تا به کیفررساندن آنها (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ۲۶).

۲-۳. تعویق؛ نهادی در جهت قضازدایی

با توجه به آنکه در بسیاری از جرائم نمی توان دست به «جرم زدایی»^۱ زد، دولت ها ترجیح می دهند تا با استفاده از «قضازدایی»^۲، از درگیر شدن مرتکبین در فرآیند عدالت کیفری ممانعت به عمل آورند یا در صورت ورود به این فرآیند، از ادامه مسیر، جلوگیری یا آن را به سمتی مناسب تر منحرف کنند. شیوه های نوین قضازدایی به دنبال آن اند که نه تنها از ورود به سیستم عدالت کیفری جلوگیری به عمل آورند بلکه با ارائه راهکارهای اجتماعی به رفع اختلال ایجاد شده از جرم یا ترمیم رابطه اجتماعی بپردازند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ۱۰۳).

نهاد تعویق صدور حکم، خود منجر به قضازدایی می شود، چرا که دادگاه پس از احراز مجرمیت فرد خاطی بلافاصله کیفر را در ارتباط با او اعمال نمی کند بلکه برای مدتی صدور حکم مجازات وی را معلق می نماید. افزون بر این، اگر دستگاه عدالت کیفری را از زمان کشف جرم تا زمان اجرای مجازات و حتی مراقبت های بعد از خروج درگیر بدانیم، با استفاده از چنین نهادهای حمایتی، بار دستگاه عدالت کیفری کاهش پیدا خواهد کرد.

۲-۴. تعویق؛ نهادی به دنبال جلوگیری از برچسب خوردن

«جرم شناسی تعامل گرا»^۳ به تعامل موجود میان فرد و جامعه می پردازد و در شکل گیری رفتار افراد، ارزش زیادی برای جامعه قائل است.

1. Decriminalization

2. Diversion

3. Interactionist Criminology

این نوع جرم‌شناسی به پدیده رقم سیاه در آمار بزهکاری و مفاهیم «برچسب‌زنی»^۱ و «لکه‌دارساختن»^۲ اجتماعی توجه دارد.

در نظریه برچسب‌زنی، قانون به سود کسانی دانسته می‌شود که قدرت اجتماعی و اقتصادی را در دست دارند و همین امر به زیان طبقات محروم جامعه و اقلیت‌ها است زیرا وقتی صاحبان قدرت (مانند قضات، والدین، پلیس، معلمان و...) تصمیم بگیرند، می‌توانند به یک شخص برچسب مجرم بزنند و او را به صورت مجرم درآوردند (دادستان، ۱۹، ۱۳۸۹).

پس از آنکه شخصی از سوی جامعه برچسب خورد و آن را پذیرفت، بر اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر می‌دهد و خودانگاره مجرمانه در وی شکل می‌گیرد (ویلیامز، مک‌شین، ۱۵۸، ۱۳۸۳). پس از قبول این خودانگاره مجرمانه، ممکن است شخص برای مطابقت هرچه بیشتر با این نقش، به سوی نقش‌های مجرمانه بیشتری سوق داده شود. برای نمونه ممکن است شخص با رهایی از زندان به خاطر محکومیت کیفری، نتواند کار مشروعی به دست آورد و برای بقای حیات، دوباره به ارتکاب جرم دست بزند که این خود منجر به آن می‌شود که با افراد دیگری که مانند خود برچسب خورده‌اند، معاشرت کنند (ولد، برنارد، اسنیس، ۳۰۳، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه در بالا آمد، مشخص می‌شود که تا چه اندازه‌ای تصمیمات کارگزاران عدالت کیفری می‌تواند در آینده افراد جامعه مؤثر باشد و این امر زمانی حساس‌تر می‌شود که پای یک طفل در میان باشد. نهاد تعویق صدور حکم برخلاف نهاد تعلیق اجرای مجازات از مجرم خطاب کردن بزهکار توسط جامعه، ممانعت به عمل می‌آورد زیرا در تعلیق اجرای مجازات، فرد، مجرم و محکوم است و تنها مجازات وی به حالت تعلیق درآمده است درحالی‌که در تعویق صدور حکم، اصلاً حکم محکومیتی صادر نشده است تا جامعه بتواند فرد خاطی را مجرم قلمداد نماید.

این نوع تعدیل منطقی موقعیت کیفری، با سیاست جنایی اسلام نیز همسو است که به موجب آن، ضمن حفظ واکنش‌های سرکوبگر در متون قانونی، با تمسک به تأسیسات و گریزگاه‌های متعدد، از اجرای کیفر، دوری می‌شود (صادقی، ۳۰، ۱۳۸۴).

در پایان این گفتار ذکر این نکته حائز اهمیت است که تعویق صدور حکم به هیچ‌وجه از زمره جانشینان کیفر نیست، بلکه از مقوله غمض عین است و در آن چشم‌پوشی از دادنامه، جنبه مشروط دارد (پیناتل، ۱۷۹، ۱۳۶۵).

1. Labeling Theory

2. Stigma

۳. شرایط اعطاء، انواع و آثار قانونی نهاد تعویق صدور حکم

در این گفتار ابتدا به شرایط قانونی صدور قرار تعویق صدور حکم اشاره می‌شود. سپس انواع تعویق و نهایتاً آثار حقوقی ناشی از آن، به‌طور خلاصه در حقوق ایران، آلمان و فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. شرایط قانونی اعطای قرار تعویق صدور حکم

مطابق ماده ۴۰ ق.م.ا «...دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم، با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد». این شرایط عبارت‌اند از:

الف. سبک‌بودن جرم ارتكابی

صدور قرار تعویق صدور حکم، تنها در جرایم موجب تعزیر امکان‌پذیر است. بنابراین مجازات‌های شرعی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی،^۱ غیرقابل تعویق هستند. علاوه بر این، صرف تعزیری بودن جرم ارتكابی کافی نیست بلکه همان‌طور که در صدر ماده ۴۰ ق.م.ا مقرر شده است: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت...»^۲ است که دادگاه مجاز به استفاده از چنین نهادی است.

۱. قانونگذار بدون تعیین ضابطه‌ای مشخص برای تشخیص تعزیرات منصوص شرعی از غیر آن، تعزیرات منصوص را از اعمال برخی مقررات خارج کرده است. در این زمینه تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا بیان می‌دارد: «اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده ۸ و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود».

۲. لازم به ذکر است که در ماده ۱۹ ق.م.ا، مجازات‌های تعزیری برحسب شدت به هشت درجه از شدید به ضعیف، تقسیم شده است. بر اساس این ماده، مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت عبارت‌اند از:

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرایم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

با ملاحظه مجازات‌های مندرج در درجه‌های شش تا هشت درمی‌یابیم که قانونگذار، استفاده از نهاد تعویق حکم را تنها در ارتباط با جرایم کم‌اهمیت به مصلحت دانسته است زیرا چنین مجرمینی دارای ظرفیت بزهکارانه بالایی نیستند و اصولاً جامعه نیز از صدمات وارده ناشی از آن، متضرر نمی‌شود.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، قانونگذار به لحاظ وضع خاص اطفال و نوجوانان از آن‌ها حمایت بیشتری به عمل آورده است زیرا این دسته از مجرمین، حتی در صورت ارتکاب تمامی جرایم موجب تعزیر، همچنان قابلیت برخورداری از این تأسیس را دارا هستند. در این زمینه ماده ۹۴ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد...». این در حالی است که پیش از تصویب این قانون؛ یعنی در لایحه پیشنهادی^۱، تنها در جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت، صدور حکم اطفال و نوجوانان به تعویق می‌افتاد. این نرمش، در برابر نوجوانان و جوانان، اقدامی پسندیده محسوب می‌شود.

لازم به توضیح است که مدرج‌سازی صورت گرفته در ماده ۱۹ ق.م.ا حکایت از در پیش گرفتن نوعی سیاست جنایی مبتنی بر اولویت‌بندی مجازات‌ها دارد که مطابق آن، تلاش دستگاه عدالت کیفری در جهت مقابله با جرایم مهم‌تر است. کما اینکه در بعضی از نظام‌های حقوقی چنین اولویت‌گذاری دیده می‌شود. برای نمونه «در ایالات متحده آمریکا، اولویت‌ها در ساختار دادستانی منعکس می‌شود. دادستان‌های منطقه‌ای در سراسر کشور، طرح‌های اولویت‌دار با تمرکز بر مبارزه با فروشندگان اصلی مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته، متجاوزان جنسی و مانند آن تعیین کرده‌اند» (دبلیو نیوبور، ۱۳۸۹، ۴۱۱).

- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال درجه ۷

- حبس از نودویک روز تا شش ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

^۱ ماده ۹۳ لایحه ق.م.ا مقرر می‌داشت: «دادگاه می‌تواند در جرائم موجب تعزیر درجه پنج تا هشت با رعایت مقررات این قانون، صدور حکم را در مورد اطفال و نوجوانان به تعویق انداخته...».

در پاسخ به این پرسش که آیا اقدامات تأمینی و تربیتی به حالت تعویق در می آیند یا خیر باید گفت اولاً، این نوع تدابیر ماهیتاً مجازات نیستند ثانیاً، هدف غایی چنین اقداماتی بازپروری و احیای اخلاقی مجرمین است. بنابراین اقدامات تأمینی و تربیتی مشمول چنین ارفاقی نخواهد شد (نوربها، ۱۳۸۶، ۴۸۴).

بر اساس ماده ۵۹ قانون مجازات آلمان (مصوب ۲۰۰۸) نیز دادگاه زمانی می تواند صدور حکم مجرم را به تعویق بیندازد که «شخص به جرمه‌ای که بیشتر از یک صد و هشتاد واحد روزانه نباشد، محکوم شده باشد...» (بوهلندر، ۱۳۸۹، ۵۳). بنابراین در حقوق جزای آلمان نیز، از این نهاد تنها در ارتباط با مجرمین غیر خطرناک استفاده می شود.

مطابق قانون جزای فرانسه، اصلاحی سال ۲۰۰۴ (موسوم به پربن ۲)، دادگاه زمانی می تواند صدور حکم مجازات را به تعویق بیندازد که علاوه بر شرایط مندرج در ماده ۶۰-۱۳۲، جرم ارتکاب یافته در قلمرو جرایم جنحه یا خلاف باشد. ماده ۵۸-۱۳۲ در این باره دارد: «...در قلمرو جنحه‌ای به غیر از موارد پیش‌بینی شده در موارد ۶۳-۱۳۲ تا ۶۵-۱۳۲ یا در قلمرو خلافی، دادگاه می تواند پس از بزه‌کار دانستن متهم و صدور حکم ... و شرایط پیش‌بینی شده در موارد بعدی، صدور حکم را به تعویق بیندازد» (لوترمی، ۱۳۸۷، ۲۳۴).

ب. وجود جهات تخفیف

وجود جهات تخفیف، شرط دیگری است که در بند (الف) ماده ۴۰ ق.م.ا به آن اشاره شده است. قانونگذار در ماده ۳۷ ق.م.ا پس از مشخص کردن قلمرو تخفیف (برخلاف قانون ۱۳۷۰ که محدوده تخفیف تعیین نشده بود) در ماده ۳۸ ق.م.ا جهات تخفیف را با اندک تغییرات نسبت به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ پیش‌بینی کرده است.

این ماده اشعار دارد: «جهات تخفیف عبارت‌اند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و

اشیای تحصیل شده از جرم یا به کاررفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز

بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری
 ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی در جهت جبران زیان ناشی از آن
 چ- خفیف بودن زیان وارد شده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم
 ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم».
 بنابراین وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف برای صدور قرار تعویق حکم در حق مجرم ضروری است.

ج. پیش بینی اصلاح مرتکب

همان طور که در صدر ماده ۴۰ ق.م.ا نیز آمده است، دادگاه «...با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده...»، تصمیم می گیرد که آیا عدم پیش بینی مجازات، موجبات اصلاح وی را فراهم خواهد کرد یا خیر. بنابراین اگر قاضی با استفاده از گذشته مجرم و پرونده شخصیت وی به این نتیجه رسید که با عدم اجرای مجازات اصلاح خواهد شد، قرار تعویق صدور حکم را در حق او صادر می کند. در این باره، صدر ماده ۶۰-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه نیز تحصیل بازپروری اجتماعی را شرط برخورداری از این ارفاق دانسته است.

در بند یک و دو ماده ۵۹ قانون مجازات آلمان نیز آمده است:

«۱- انتظار رود مجرم، بدون تعیین فوری مجازات، مرتکب جرایم دیگری نخواهد شد.

۲- بررسی کامل جرم و ویژگی های شخصیتی مجرم، وجود شرایط خاصی را اثبات نماید که وضع مجازات را غیر ضروری کند و...».

بنابراین آنچه از این قوانین دریافت می شود آن است که دادگاه تکلیف دارد پیش از صدور قرار تعویق، درباره وضع اجتماعی و سوابق زندگی مجرم تحقیق کند و چنانچه اصلاح و بازپروری او را در حال حاصل شدن دید، می تواند صدور حکم را به تعویق اندازد.

د. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

هرگونه کوشش و اقدام مجرم به قصد جبران ضرر و زیان و کاهش آثار جرم، چه در اثنای جرم و چه پس از آن و نیز جبران زیان مادی و معنوی ناشی از جرم، می تواند مجرم را مستحق برخورداری از این ارفاق کند زیرا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، نشانه ای از توبه مجرم به حساب

می‌آید و کسی که پشیمان شده و در صدد جبران خسارت نیز برآمده، شایسته اغماض و تسامح خواهد بود. منظور از عبارت «برقراری ترتیبات جبران آن» نیز آن است که مثلاً خود یا دیگری متعهد شوند که ضرر و زیان و خسارت وارده را خواهند پرداخت. قانونگذار با لحاظ کردن این بند، به نوعی آنچه را که در بند (ج) ماده ۳۸ ق.م.ا به آن اشاره شد تکرار کرده است.

در همین زمینه قانون مجازات فرانسه در ماده ۶۰-۱۳۲ به این موضوع اشاره کرده است. در واقع زمانی قاضی اجرای مجازات‌ها در فرانسه می‌تواند صدور حکم مجرم را به تعویق بیندازد که «خسارت‌های ناشی از ارتکاب جرم در حال جبران باشد» و مجرم در صدد جبران خسارت‌ها برآمده باشد.^۱ لازم به ذکر است که با توجه به رویه قضائی فرانسه، دادگاه در زمان تعویق صدور حکم، نیازی به ذکر شرایط پیش‌بینی‌شده مذکور در ماده ۶۰-۱۳۲ در تصمیم خود ندارد (crim, 18 mai 2004, B.c.n°122).

بخش (a) ۵۹ قانون جزای آلمان نیز «تلاش جهت سازش با شخص زیان‌دیده یا جبران خسارت وارده به واسطه ارتکاب جرم» را یکی از مواردی دانسته است که دادگاه می‌تواند در دوره تعویق به فرد مجرم دستور دهد.

ه. فقدان سابقه کیفری مؤثر

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نهاد تعویق صدور حکم در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک اعمال می‌شود. داشتن سابقه کیفری مؤثر، نشان از خطرناک بودن مجرم دارد. در نتیجه چنین مجرمی دارای ظرفیت جنایی بالاست و نمی‌توان اقدامات ارفاقی نظیر نهاد مذکور را در حق وی اعمال کرد. به همین خاطر است که قانونگذار در بند (ت) ماده ۴۰ ق.م.ا، «فقدان سابقه کیفری مؤثر» را یکی از شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم دانسته است.

تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا در بیان سابقه کیفری مؤثر، این‌گونه اشعار می‌دارد: «محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند».

در قانون جزای آلمان و فرانسه چنین شرطی دیده نمی‌شود. بنابراین اگر کسی قبلاً مرتکب جرم شده باشد و دارای سابقه کیفری نیز باشد، دادگاه با ملاحظه و رعایت شرایط اعطای نهاد

۱. ذکر این نکته اینجا لازم به نظر می‌رسد که بر اساس بند ۲ ماده ۵۸-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، چنانچه دادخواست ضرروزیان تقدیم شده باشد، دادگاه ضمن تصمیم در خصوص تعویق، حکم به ضرر و زیان مدعی خصوصی صادر خواهد نمود.

تعویق صدور حکم، می‌تواند قرار مذکور را حتی درباره مجرمین باسابقه اعمال کند. به بیان دیگر، مجرم باسابقه کیفری مانند مجرم فاقد سابقه، حق استفاده را داراست (استفانی، لواسور، بولوک، ۱۳۷۷، ۸۵۷).

و. فقدان منع قانونی

تعدادی از جرایم هستند که به دلیل شدت و اهمیت آن‌ها و همچنین تأثیرات نامطلوبی که بر روی امنیت یا اقتصاد جامعه می‌گذارد، نهادهای ارفاقی درباره آن‌ها اعمال نمی‌شود زیرا مسامحه و ارفاق در جرایمی که میزان صدمه و خسارت آن‌ها به اجتماع بسیار زیاد است، جائز نیست.

ماده ۴۷ ق.م.ا با غیرقابل تعویق و تعلیق دانستن برخی جرائم مقرر می‌دارد: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست: الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات ب- جرایم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرایم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض ج- جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد».

قانون مجازات فرانسه، چنین ممنوعیتی برای ارتکاب برخی جرایم پیش‌بینی نکرده است و همین که بازپروری اجتماعی بزهکار در حال حاصل شدن باشد، خسارت‌های ایجاد شده در حال جبران باشد و آسیب‌های ناشی از بزه نیز در آستانه متوقف شدن باشد، برای تعویق در صدور حکم بزهکار، کفایت می‌کند. به همین دلیل است که برخی از نویسندگان، ممنوعیت شمول تعلیق یا (تعویق) به بعضی مجازات‌های تعزیری را ناموجه می‌پندارند زیرا شدت و وخامت بعضی از جرایم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزهکاران شود چرا که اساس و غایت چنین نهادهایی، اصلاح بزهکاران و پیشگیری از حوادث احتمالی آتی است؛ حال تفاوتی نمی‌کند که بزهکار، مرتکب چه جرمی شده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۲۴۲). البته برخی از نویسندگان نیز چنین ممنوعیتی را موجه می‌دانند زیرا معتقدند، چنانچه نوع و میزان مجازات، ملاک منع قرار گیرد، عدم توسعه دامنه چنین نهادهایی منطقی به نظر می‌رسد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۳۰). به نظر ما، قول نخست وجیه‌تر به نظر می‌رسد زیرا اگر مجرم

قابلیت اصلاح و بازپروری را داشته باشد، ارتکاب جرمی خاص نمی‌تواند او را ممنوع از برخورداری نماید؛ به‌خصوص زمانی که فرد به‌طور اتفاقی دست به ارتکاب جرم زده باشد. مطابق قانون مجازات آلمان نیز قانونگذار، ضابطه را مشخص کرده است و حدود و ثغور و احراز آن را در اختیار قاضی گذاشته است. بند ۳ ماده ۵۹ مقرر می‌دارد: «حمایت از نظم عمومی مستلزم وضع مجازات نباشد». بنابراین بهتر بود قانونگذار با ملاک قرار دادن چنین ضابطه‌ای، احراز آن را در اختیار قاضی قرار می‌داد تا بیان موارد ممنوعیت به‌صورت حصری. در پایان این بند ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ماده ۴۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند». بنابراین صدور قرار تعویق صدور حکم از اختیارات دادگاه است. به این معنا که تعویق صدور حکم اصولاً حق بزه‌کار نیست بلکه اختیاری در دست دادگاه است و در این مورد، دادگاه تکلیفی ندارد. ماده ۶۰-۱۳۲ قانون جزای فرانسه^۱ و ماده ۵۹ قانون جزای آلمان نیز صدور چنین قراری را از اختیارات دادگاه می‌دانند. البته در برخی کشورها نظیر انگلستان، صرف تشخیص دادگاه مبنی بر استحقاق مجرم کفایت نمی‌کند بلکه رضایت خود او نیز شرط اساسی محسوب می‌شود و قاضی نمی‌تواند بدون توافق با مجرم، دست به چنین اقدامی بزند (Tomas, 2008: 66). به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تأسیس‌های ارفاقی، حق متهم محسوب نمی‌شود، رضایت یا عدم رضایت او در اعمال آن‌ها فاقد تأثیر است.

۲-۳. انواع تعویق صدور حکم

مطابق صدر ماده ۴۱ ق.م.ا: «تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است». البته در حقوق فرانسه، نوع سومی از تعویق، با عنوان تعویق همراه با تعهد^۲ (ماده ۶۶-۱۳۲) نیز وجود دارد. در این بند ابتدا به بیان تعویق ساده و سپس تعویق مراقبتی پرداخته می‌شود.

الف. تعویق ساده

بر اساس بند (الف) ماده ۴۱ ق.م.ا: «در تعویق ساده، مرتکب به‌طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به‌وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که

۱. باید اشاره کرد که طبق بند ۱ ماده ۷۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تصمیم دادگاه مبنی بر تعویق صدور حکم در سجل کیفری شخص ثبت خواهد شد.

۲. در حقوق فرانسه در خصوص تعویق همراه با تعهد، تمدید مدت تعویق صدور حکم (برخلاف تعویق ساده و مراقبتی) امکان‌پذیر نیست.

در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود». بنابراین در تعویق ساده، مجرم صرفاً متعهد می‌شود که در مدت تعیین شده مرتکب جرم نشود و دادگاه نیز هیچ نوع تکلیفی از وی مبنی بر انجام دستورهای خود تقاضا نمی‌کند.

مطابق مواد ۶۰-۱۳۲ تا ۶۲-۱۳۲ قانون جزای فرانسه نیز در مدت تعویق ساده، دادگاه هیچ تکلیف و الزامی از مجرم طلب نمی‌کند.

همچنین ماده (a) ۵۹ قانون جزای آلمان مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند به فرد محکوم جهت اجرای موارد ذیل دستور دهد». مفهوم مخالف جمله مذکور آن است که دادگاه ممکن است هیچ نوعی دستوری به مجرم در مدت تعویق ندهد که این همان تعویق ساده مقرر در بند (الف) ماده ۴۱ ق.م.ا است.

ب. تعویق مراقبتی

مطابق بند (ب) ماده ۴۱ ق.م.ا، برخلاف تعویق ساده «در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد». بنابراین در دوره تعویق آزمایشی، مجرم دارای آزادی مطلق نیست بلکه دادگاه می‌تواند وی را به اجرای تدابیر یا دستورهایی که بیشتر جنبه تأمینی و بازدارنده دارد، مکلف کند. هدف اصلی از دستورهای دادگاه نیز کنترل و نظارت بر رفتار مجرم در طول دوره آزمایشی است (آقای جنت‌مکان، پیشین، ۳۳۴).

در این نوع تعویق، مرتکب متعهد به رعایت تدابیر مورد نظر دادگاه در مدت تعویق است. همچنین ممکن است به اجرای دستورهایی نیز ملزم شود:

۱) الزام مرتکب به رعایت تدابیر دادگاه

قانونگذار در ماده ۴۲ ق.م.ا به منظور اصلاح و بازپروری مجرمین، آن‌ها را مکلف به رعایت تدابیری نموده است. مطابق این ماده: «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف - حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی

ناظر

ب - ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای

مددکار اجتماعی

پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور.

تدابیر نظارتی - حمایتی فوق، حصری است و دادگاه نمی‌تواند علاوه بر آنچه در ماده ۴۲ ق.م.ا آمده است، تدبیر دیگری را لحاظ کند. همچنین تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد». به این ترتیب اگر موارد مذکور در ماده ۴۲ ق.م.ا را اعمال نظارتی بدانیم، بی‌شک تبصره ماده فوق‌الذکر در جهت حمایت و کمک هرچه بیشتر به مرتکب است تا روند اصلاح و بازپذیری وی شتاب گیرد.

۲) الزام مرتکب به رعایت دستورهای دادگاه

افزون بر رعایت تدابیر مذکور در ماده ۴۲ ق.م.ا، دادگاه با توجه به ماده ۴۳ ق.م.ا می‌تواند «... با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل

بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا

شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی».

دادگاه در صدور دستور، انتخاب نوع و تعداد آن یا خودداری از صدور هرگونه دستور از

اختیارات کامل برخوردار است اما دادگاه در انتخاب هریک از این دستورها باید اصل تناسب

دستور با نوع و ماهیت جرم ارتكابی را مورد توجه قرار دهد. ابهامی که در اینجا وجود دارد آن است که قانونگذار به تکلیف دادگاه مبنی بر تصریح این دستورها و آثار عدم انجام آنها در ضمن قرار تعویق، اشاره نکرده است که این خود از نکات منفی و چالش برانگیز قانون جدید است. قانون جزای فرانسه، تعویق آزمایشی^۱ را در مواد ۶۳-۱۳۲ تا ۶۵-۱۳۲ پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۶۴-۱۳۲ این قانون: «رژیم تحت آزمایش قرار دادن، یعنی رژیمی که از مواد ۴۳-۱۳۲ تا مواد ۴۶-۱۳۲ (مربوط رژیم آزمایشی در تعلیق آزمایشی) به دست می‌آید قابل اعمال بر تعویق آزمایشی است»^۲.

ماده ۴۴-۱۳۲ تدابیر کنترل‌کننده‌ای را که محکوم باید به آن تن دهد ذکر کرده است. قانونگذار ایران، آنچه را در این ماده آمده است با اندک تغییرات، در قالب ماده ۴۲ ق.م.ا آورده است. همچنین ماده ۴۵-۱۳۲ نیز اشاره به تعهد(هایی) دارد که ممکن است دادگاه در طول مدت تعویق، مرتکب را به آنها ملزم نماید. آنچه در ماده ۴۳ ق.م.ا مقرر شده است، شباهت زیادی با ماده فوق‌الذکر دارد.

مطابق ماده ۴۶-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه: «هدف تدابیر کمک‌کننده این است که تلاش محکوم به منظور بازپروری اجتماعی را تقویت نمایند. تدابیر یادشده که به صورت کمک‌های اجتماعی یا در صورت امکان به صورت کمک‌های مادی به اجرا گذاشته می‌شوند توسط سرویس‌های مراقبتی و در صورت مقتضی با مشارکت همه نهادهای عمومی و خصوصی انجام می‌گیرند» و این همان موردی است که قانونگذار ایران در تبصره ماده ۴۲ ق.م.ا به آن اشاره کرده است.

طبق ماده ۵۹ (a) قانون جزای آلمان: «دادگاه می‌تواند به فرد محکوم جهت اجرای موارد ذیل دستور دهد.

تلاش جهت سازش با شخص زیان‌دیده یا جبران خسارت وارده به وی به واسطه ارتکاب جرم

اجرای تعهدات خود در زمینه نفقه

۱. همچنین در حقوق فرانسه بعضی از قوانین خاص مانند قانون ۵ ژانویه ۱۹۸۸ (امروزه ماده ۳-۴۲۱ L قانون مربوط به مصرف‌کنندگان) و ماده ۹-۳۲۲ قانون مربوط به جنگل، نوعی تعویق مراقبتی را پیش‌بینی نموده است.

۲. همان‌طور که در ماده ۶۴-۱۳۲ اشاره شد، در حقوق فرانسه، دستورها و تدابیری که مربوط به تعلیق آزمایشی است عیناً در تعویق آزمایشی نیز اعمال می‌شود. در این خصوص ماده ۴۷ لایحه ق.م.ا مقررات مربوط به اعمال تعویق را در رابطه با تعلیق (چه به‌طور ساده، چه آزمایشی) جاری دانسته است زیرا در لایحه ق.م.ا برعکس قانون جزای فرانسه، ابتدا به تعویق صدور حکم (فصل پنجم) و سپس به تعلیق اجرای مجازات (فصل ششم) پرداخته شده است.

پرداخت مبلغی پول به یک سازمان خیریه یا خزانة دولت انجام درمان سرپایی پزشکی یا درمان سرپایی اعتیاد شرکت در دوره‌های آموزش مقررات راهنمایی و رانندگی هیچ‌گونه خواسته غیرمعتقولی نباید درخصوص شیوه زندگی فرد محکوم وضع گردد. شروط و دستورالعمل‌های مندرج زیر بندهای ۳ تا ۵ جمله اول همین بند، باید متناسب با میزان اهمیت جرم ارتكابی باشد.

به این ترتیب همان طور که پیش‌تر اشاره شد، این دستورها باید متناسب با جرم ارتكابی و اوضاع و احوال مرتکب باشد و دادگاه نمی‌تواند از مرتکب، دستوری را تقاضا کند که رعایت تناسب و اصلاح بزهکار در آن لحاظ نشده باشد.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که دادگاه، زمانی می‌تواند قرار تعویق صدور حکم را درباره مجرم اعمال کند که وی در جلسه دادرسی حضور داشته باشد. این نکته در تبصره یک ماده ۴۱ ق.م.ا.آ آمده است: «دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند» زیرا دادگاه باید از تمامی اوضاع و احوال و وضعیت مرتکب آگاه باشد تا بتواند چنین قراری را در حق وی صادر کند و این شناخت تنها با حضور مرتکب در محضر دادگاه حاصل می‌شود. در این باره قسمت اخیر ماده ۶۰-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «تعویق نمی‌تواند مورد حکم قرار گیرد مگر اینکه شخص حقیقی متهم یا نماینده شخص حقوقی متهم در جلسه دادگاه حضور داشته باشد» زیرا در حقوق فرانسه این موضوع مربوط به نظم عمومی بوده و رعایت آن کاملاً ضروری است (Crim, 22 mai 1986, B.C., n° 166).

در پایان این بند باید گفت که مطابق ماده ۴۰ ق.م.ا، مدت تعویق، شش ماه تا دو سال است. هرچه این مدت بیشتر باشد، به ضرر فرد بزهکار است و به نفع جامعه. به ضرر فرد است زیرا وی باید مدت بیشتری نسبت به رفتار خویش مراقبت داشته باشد و به دستوره‌های دادگاه عمل کند. به نفع جامعه است زیرا در سایه اهمیتی که فرد نسبت به رفتار خود دارد، دفاع اجتماعی به نحو مطلوب‌تری تأمین خواهد شد (توجهی، ۱۳۹۱، ۳۰).

مطابق بند ۱ ماده ۵۹ (a) قانون آلمان، مدت تعویق بیشتر از دو سال و کمتر از یک سال نخواهد بود، در حالی که طبق ماده ۶۴-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه، این مدت بیشتر از یک سال نخواهد بود.

۳-۳. آثار تعویق صدور حکم

اثر صدور قرار تعویق صدور حکم بلافاصله از زمان صدور آغاز می‌شود و نیازی به قطعی شدن آن نیست. به این ترتیب، به محض صدور چنین قرار، اگر متهم در بازداشت باشد، بلافاصله آزاد خواهد شد. به این منظور، قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۴۱ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید...». البته دستور آزادی مجرم به معنای آن نیست که دادگاه نمی‌تواند هیچ نوع تأمینی از متهم بگیرد، بلکه دادگاه می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، شدت و اهمیت آن از متهم تأمین اخذ کند البته به گونه‌ای که دوباره به بازداشت وی منجر نشود. در این زمینه ادامه تبصره فوق‌الذکر بیان می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد».

پس از این توضیح، در ادامه شرایط لغو قرار تعویق صدور حکم و همچنین چگونگی صدور حکم معافیت از کیفر بررسی خواهد شد.

الف. لغو قرار تعویق صدور حکم

قرار تعویق صدور حکم به سه دلیل ممکن است لغو شود:

۱) ارتكاب جرم جدید

ارتكاب جرم در مدت تعویق، یکی از اسباب لغو تعویق صدور حکم است. در این زمینه قسمت نخست ماده ۴۴ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند». بنابراین چنانچه مجرم در مدت تعویق، مرتکب هر جرمی غیر از جرم غیرعمدی موجب دیه و جرم تعزیری درجه هشت شود، دادگاه قرار تعویق وی را لغو خواهد کرد.

پرسشی که ممکن است اینجا مطرح شود آن است که آیا چنانچه فرد، مرتکب جرم «غیرعمدی» تعزیری تا درجه هفت نیز شود، قرار تعویق وی لغو خواهد شد؟ به نظر می‌رسد به قرینه کلمه ارتكاب، واژه جرم را باید تنها منصرف به جرایم عمدی دانست زیرا عادلانه نیست کسی را که در حق وی قرار تعویق صادر شده است، به دلیل ارتكاب جرم غیرعمدی محروم از

این ارفاق کنیم (توجهی، پیشین، ۲۸). از سوی دیگر، در ماده ۵۴ ق.م.ا.آ آمده است: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود... دادگاه قرار تعلیق را لغو...». بنابراین مشخص نیست که چرا یک جرم غیرعمدی موجب تعزیر تا درجه هفت باعث لغو قرار تعویق می‌شود اما هیچ خللی به قرار تعلیق اجرای مجازات وارد نمی‌آورد. بنابراین این ناهمسویی را تنها می‌توان به حساب تساهل قانونگذار گذاشت. پس، جرم غیرعمدی موجب دیه، جرم عمدی تعزیری درجه هشت و جرم غیرعمدی موجب تعزیر درجات یک تا هشت، از شمول این ماده خارج است.

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که ارتکاب جرم جدید همراه با جرمی که نسبت به آن قرار تعویق صادر شده است، موجبات تعدد جرم را فراهم می‌سازد و از مقررات آن که در فصل پنجم بخش سوم کلیات (مواد ۱۳۵-۱۳۱) آمده است، تبعیت می‌کند.

در این زمینه، بند ۱ ماده ۵۹(b) و همچنین بند ۱ ماده ۵۶(f) قانون مجازات آلمان اعلام می‌دارد: «چنانچه فرد در مدت تعویق با ارتکاب جرم ثابت نماید پیش‌بینی که بر اساس آن مجازات وی به تعویق افتاده، با شکست مواجه شده است» دادگاه قرار تعویق صدور حکم را لغو و نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام خواهد کرد.

ماده ۶۵-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه در نظر گرفتن رفتار بزهکار را در مدت تعویق ملاک قرار داده است. به این ترتیب که دادگاه با تحت نظر قرار دادن بزهکار در طول مدت تعویق، می‌تواند خواه وی را از کیفر معاف کند، خواه کیفر پیش‌بینی شده در قانون را مورد حکم قرار دهد، خواه صدور کیفر را بر مبنای شرایط و شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶۳-۱۳۲ بار دیگر به تعویق بیندازد. بنابراین ممکن است فرد بزهکار در مدت تعویق، مرتکب جرمی نشود ولی دادگاه تصمیم به لغو قرار تعویق بگیرد یا بالعکس؛ یعنی حتی با ارتکاب جرم نیز قرار تعویق وی لغو نشود.

۲) عدم تبعیت از دستورهای دادگاه

ناپیروی از دستورهای دادگاه نیز ممکن است منجر به الغای قرار تعویق صدور حکم شود زیرا برخلاف آنچه در ارتباط با ارتکاب جرم در مدت تعویق گفته شد، در اینجا دادگاه مختار است تا نصف مدت مقرر در قرار افزوده یا نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام کند.

البته همان طور که در قسمت اخیر ماده ۴۴ ق.م.ا.آ آمده است دادگاه تنها برای یک بار می‌تواند تا نصف مدت مقرر در قرار اضافه کند و در صورت اصرار مجرم بر عدم تبعیت از

دستورهای دادگاه، قاضی مکلف است تا قرار تعویق صدور را لغو و نسبت به صدور حکم اقدام نماید. قسمت اخیر ماده یادشده مقرر می‌دارد: «در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق، اضافه یا حکم محکومیت صادر کند». ابهامی که در اینجا وجود دارد آن است که آیا در صورت افزایش، مدت تعویق می‌تواند از دو سال تجاوز کند یا خیر؟ اگرچه این بحث، ذیل تعلیق اجرای مجازات آمده است، عده‌ای بدون ارائه دلیل، تجاوز از حداکثر را جایز نمی‌شمارند (اردبیلی، پیشین، ۲۴۷). در مقابل، عده‌ای دیگر تجاوز از حداکثر را ممنوع نمی‌دانند و آن را با منطق تعلیق نیز سازگار می‌دانند و برای پرهیز از مشکلات عملی آن را پیشنهاد می‌کنند (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ۵۳). به نظر ما نیز هیچ ممنوعیتی دیده نمی‌شود و در صورت عدم اجرای دستورها، می‌توان به بیش از حداکثر مقرر (که در تعویق بیش از ۳ سال نخواهد بود) حکم نمود.

مطابق ماده ۶۹-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه نیز چنانچه دستورها با تأخیر اجرا شده باشند در صورت مقتضی قاضی به اجرای تعهدات پایان داده و کیفر پیش‌بینی شده در قانون را مورد حکم قرار می‌دهد و اگر دستورها اجرا شده باشند، علاوه بر لغو تعهدات، قاضی مجازات را تعیین و رأساً مقرر می‌کند که دستورها به هزینه متهم اجرا شوند (استفانی، لواسور و بولوک، پیشین، ۷۵۳).

همچنین طبق بند ۱ ماده ۵۹ و نیز بند ۱ و ۲ ماده ۵۶(f) قانون مجازات آلمان: «در صورتی که محکوم به‌طور فاحش و مدام دستورالعمل‌ها را نقض نماید یا دائماً از نظارت و راهنمایی مأمور ناظر سر باز زند، در نتیجه باعث ایجاد نگرانی در خصوص ارتکاب مجدد جرم گردد، یا به‌طور دائم شروط تعویق صدور حکم را نقض نماید دادگاه نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام می‌نماید».

۳) عدم توجه دادگاه به سابقه محکومیت کیفری

چنانچه دادگاه هنگام صدور قرار تعویق صدور حکم، از محکومیت‌های کیفری سابق بزهکار مطلع نباشد و بدون اطلاع از این سوابق مبادرت به صدور قرار نموده باشد و سپس احراز شود که وی دارای سابقه کیفری است، دادگاه به محض آگاهی از این سوابق، باید نسبت به لغو قرار اقدام نماید. به موجب ماده ۵۵ ق.م.ا: «هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق

شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند... حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است». البته چنین ممنوعیتی در قوانین مجازات آلمان و فرانسه دیده نمی‌شود. لازم به ذکر است، فردی که قرار تعویق وی الغاء شده و صدور حکم محکومیت در رابطه با وی اعمال شده است، دیگر مستحق ارفاق و اغماض نیست و تأسیسات حقوقی دیگری که مبتنی بر مسامحه است در حق وی کارایی ندارد چرا که فرد بزهکار نتوانسته است اعتماد دستگاه عدالت کیفری را پاسخ بدهد. بدین منظور دیگر وی لیاقت استفاده از چنین تأسیساتی را ندارد. در همین زمینه تبصره ماده ۴۴ ق.م.ا.م.ا مقرر می‌دارد: «در صورت الغاء قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است».

ب. صدور حکم معافیت از کیفر

چنانچه فرد بزهکار در مدت تعویق مرتکب جرمی نشود و همچنین به دستورهای دادگاه عمل کند ممکن است دادگاه به صورت قطعی وی را از مجازات معاف کند. به موجب ماده ۴۵ ق.م.ا: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکاران اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند». فلذا اگر فرد بعد از طی مدت تعویق و اصدار حکم معافیت از کیفر در حق وی، مرتکب جرمی شود، به سان کسی است که برای بار نخست، مرتکب جرم شده است.

تعیین ناظر و مراقب و نیز استفاده از گزارش‌های آن‌ها نسبت به مجرمی که صدور حکم نسبت به وی معلق می‌شود، ابداع بسیار پسندیده‌ای است که پیش از این جای خالی آن حتی در نهادهای شناخته شده و قانونی ایران از جمله تعلیق مجازات و آزادی مشروط کاملاً محسوس بود (رضایی، ۴۳، ۱۳۹۰). البته بهتر بود قانونگذار در ارتباط با نحوه فعالیت و به کارگیری مددکاران، به طور شفاف اظهار نظر می‌نمود؛ ضمن آنکه قابلیت اعتراض به گزارش مددکاران نیز پیش‌بینی نشده است و این ماده از این حیث نیز با کاستی مواجه است.

مطابق قانون مجازات فرانسه نیز دادگاه^۱ می‌تواند مجرم را بدون قید و شرط (در تعویق ساده ۶۱-۱۳۲)، با در نظر گرفتن رفتار بزهکار در طول مدت آزمایش (در تعویق آزمایشی ماده ۶۵-

۱. در حقوق فرانسه، صدور حکم معافیت از کیفر پس از تعویق آن نه تنها توسط دادگاه صورت می‌گیرد بلکه از زمان تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴، قاضی اجرای مجازات‌ها نیز پس از یک رسیدگی توافقی می‌تواند چنین تصمیمی را اتخاذ نماید.

(۱۳۲) و میزان پابندی و اجرای تعهدهای اجباری دادگاه (در تعویق همراه با تعهد ماده ۶۹-۱۳۲) از کیفر معاف کند.

همچنین ماده ۶۰ قانون مجازات آلمان در این زمینه مقرر می‌دارد: «در صورتی که پیامدهای ناشی از جرم که مجرم متحمل شده است، چنان شدید باشد که وضع مجازات، به وضوح، بی‌تناسب باشد، دادگاه می‌تواند حکم به معافیت وی صادر کند».

نتیجه

نهاد تعویق، تأسیسی است که با عدول از اصل لزوم رسیدگی به پرونده پس از بررسی ادله مطروحه، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. این نهاد که در جهت حمایت از مجرمین غیرخطرناک بنا شده است با توجهاتی نظیر جلوگیری از برچسب خوردن مرتکبین جرم، به عنوان استثنائی بر اصل یادشده، لحاظ شده است. اصل نهاد تعویق صدور حکم (مقرر در ماده ۴۰ ق.م.ا) از قانون جزای فرانسه (ماده ۵۸-۱۳۲ به بعد) اقتباس شده است؛ با این تفاوت که در برخی موارد قانونگذاران فرانسوی (در مواد ۵۸-۱۳۲ و ۶۰-۱۳۲) و آلمانی (ماده ۵۹) به جای ذکر دقیق شرایط صدور قرار تعویق، با ارائه ضابطه، تشخیص انطباق آن را با خصوصیات مرتکب و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، برعهده مقام صادرکننده قرار نهاده‌اند (که در مطالعه تطبیقی پیش رو به این شرایط پرداخته شد) در حالی که قانونگذار ایرانی به منظور جلوگیری از اعمال رویه‌ها و تصمیمات متفاوت در شرایط مشابه، شرایط اعطای این نهاد را به طور دقیق تری احصاء نموده است.

بنابراین، اگرچه نهاد تعویق صدور حکم از قانون جزای فرانسه اقتباس شده است، این به معنای آن نیست که این نهاد برگرفته از ترجمه صرف بوده است و قانونگذار هیچ توجهی به بسترهای اجتماعی آن در ایران نداشته است. باین حال قضاوت در ارتباط با کارایی و میزان تمایل قضات در استفاده از آن، هنوز زود است و تا زمانی که نهاد مزبور به طور رسمی در بوته آزمایش سنجیده نشود، مشخص نیست که آیا همچون نهادهای مشابه (نظیر تعلیق) مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد یا خیر (برای نمونه باید گفت نتیجه بررسی آرای تعلیق در آمار دادگاه‌های اردبیل نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۶۴۴۸ هزار پرونده مختومه که تعداد ۷۷۰۰۷ فقره آن‌ها مستعد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات بوده است، تنها در ۴۱ پرونده قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شده است (آقایی جنت‌مکان، پیشین، ۳۳۵). تجربه‌ای که از نهادهای مشابه



بیان شده است حکایت از آن دارد که به دلیل عدم وجود سازمان‌ها و مراکز متولی برای اعمال نظارت و کنترل رفتار مجرمین در دوره آزمایشی، این نهادهای ارفاقی کارایی ندارند؛ که به دلیل عدم توجه قانونگذار به چنین الزاماتی، ضرورت پژوهش در این حوزه دیده می‌شود. با این حال اجرای شایسته و دقیق آن، نویدبخش تحولی اساسی در برگشت افراد به جامعه و پرهیز از مضرات برچسب‌زنی و مشوقی برای تلاش بزهکاران در اصلاح خود است.

منابع

- فارسی
- آشوری، محمد. (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری. جلد ۱، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. تهران: دانشگاه تهران.
- آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۰). حقوق کیفری عمومی (بر اساس لایحه مجازات اسلامی). جلد ۲، تهران: جنگل جاودانه.
- آنسل، مارک. (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی. برگردان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی. جلد ۲، چاپ نوزدهم، تهران: میزان.
- استفانی، گاستون و ژرژ لواسور و برنارد بولوک. (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. برگردان: حسن دادبان، جلد ۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بوهلاندر، مایکل. (۱۳۸۹). قانون مجازات آلمان. برگردان: اصلی عباسی، تهران: مجد.
- بیناتل، ژان. (۱۳۶۵). کیفرهای جانشین و جرم‌شناسی. ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حق، «مطالعات حقوقی و قضائی» شماره ۶.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۱). تقریرات درس حقوق کیفری عمومی. کارشناسی ارشد (نیمسال دوم تحصیلی)، دانشگاه تهران (پردیس قم).
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۸۲). گفتمان سیاست جنائی در لایحه قضائی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان. مجله حقوق و قضائی دادگستری، شماره ۴۵.
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۹). روانشناسی جنائی. چاپ هفتم، تهران: سمت.
- دلبیو نیوبور، دیوید. (۱۳۸۹). نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا. برگردان: حمیدرضا قراگزلو، چاپ نخست، تهران: مجد.
- دوگلاس، گیلیان. (۱۳۸۳). حق کودک بر خطاکاری: مسئولیت کیفری و صغیر نابالغ. ترجمه و تلخیص: نسرين مهرا، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۴۱.
- رضایی، غلامحسین. (۱۳۸۹). راهبردهای تعلیق و تعویق در فرآیند کیفری. تهران: میزان.
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۸۴). محدودیت‌های بزه‌پوشی. مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۴.

- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۶). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ هشتم، تهران: مجد.
- لو ترمی، لورانس. (۱۳۸۷). *بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه*. برگردان: محمود روح‌الامینی، چاپ نخست تهران: میزان.
- معین، محمد. (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*. چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- نجفی‌ابرنندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). *از مکتب کلاسیک تا عدالت ترمیمی*. مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شماره ۱۰-۹.
- (۱۳۸۵). *مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان*. در: *مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، تهران: میزان.
- نوریها، رضا. (۱۳۸۶). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ هجدهم، تهران: گنج دانش.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۰). الف. *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*. تهران: میزان.
- (۱۳۹۰). ب. *از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده*. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره یک.
- ولد، جرج توماس برنارد؛ اسنیس، جفری. (۱۳۹۰). *جرم شناسی نظری*. برگردان: علی شجاعی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- ویلیامز، فرانک پی؛ ماری لین دی مک شین. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جرم شناسی*. برگردان: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان.

- لاتین

- Crim, (1986) 22 mai, B.C., n° 166.
- Crim, (2004) 18 mai, B.C., n° 122.
- Grant, William, (1988) *sentence deferred- auseful Psychiatric recommendation*, psychiatric Bulletin.
- Hungerford - Welch, peter, (2000) *criminal litigation and sentencing*, London, Cavendish publishing, 5th ed.
- Jareborg, Nils, (2005) *Criminalization as last resort (Ultima Ratio)* vol.2, OHIO State Journal Of Criminal law.
- Tomas, David, (2008) *Sentencing Referecer*. London, Seet & Maxwell.